

متن پرسش

سلام استاد: دل آزاده و بی مهتاب شده ام. در دنیا چون آهن پاره ای پوسیده و بی مصرف در فضا معلق، وامانده از تکیه گاه به دنبال خدا می‌گردم. نه راه پیش دارم نه راه برگشت، چه کنم؟ می‌دانم و خوب می‌دانم که فریب خورده ام، اما از چه؟ از که؟ غرب زدگی برایم شده یک خیاط حرفه ای، چون از یاد برده ام که انسان عریان به دنیا آمده و عریان از دنیا می‌رود. با خود احساس کردم که زمستان است و سرد، باید لباس بر تن کنم اما این لباس تنها تن مرا نپوشاند، بلکه بیش از همه این‌ها خود و منیتم را پوشانده. خدایا به کجای این شب تیره پناه آرم؟ «خانقاه دل . بمی بربند راه عقل را از خانقاه دل . که این دارالجُنون هرگز نباشد جای عاقلها . اگر دل بسته ای بر عشق جانان جای خالی کن . که این میخانه هرگز نیست جز مأوای بیدلها . تو گر از نشئه می کمتر از آنی بخود آئی . برون شو بی درنگ از مرز خلوتگاه غافلها . چه از گلهای باغ دوست رنگ آن صنم دیدی . جدا گشتی ز باغ دوست(یار) دریاها و ساحلها . تو راه جنت و فردوس را در پیش خود دیدی . جدا گشتی ز راه حق و پیوستی بیاطلها» « سخن دل . نتوان نرم نمودش به سخن . این سخن از دل سنگش پیداست . از در صلح برون ناید دوست . دیگر امروز ز جنگش پیداست . می زده ست از رُخ سُرخش پُرسید . مستی از چشم قشنگش پیداست . یار امشب پی عاشق کشی است . من نگویم؛ ز خدنگش پیداست « خدایا راهم ده . چگونه به خدا بگویم فقط تو را دوست دارم و تا الان غلط کرده ام که جز تو بوده ام . « فارغ از عالم . فقر، فخر است اگر فارغ از عالم باشد . آنکه از خویش گذر کرد، چه اش غم باشد؟ . طالع بخت در آن روز برآید، که شبش . یار تا صُبح ورا مونس و همدم باشد . طرب ساغر درویش نفهمد صوفی . باده از دست بُنی گیر که محرم باشد . طوطی باغ محبت نرود کُلبه جُغد . باز فردوس، کُجا کُلبِ معلّم باشد؟! (این دل گم شده را یا به پناهت بپذیر . یا رها ساز که سرگشته عالم باشد) « حاج قاسم با دلی گرفته و چشمی گریه آلود صدایت می‌زنم در عصر یخبندان قلبم ، دستم را بگیر. من باید بروم ، جا مانده و لگد کوب روزگارم ، به سوی خورشید می روم . « باده اَلست . هُشیاری من بگیر و مستم بنما . سرمست ز باده اَلستم بنما . بر نیستیم فزون کن از راه گرم . در دیده خود هر آنچه هستم بنما « « رها باید شد! . از هستی خویشتن رها باید شد . از دیو خودی خود جدا باید شد . آن کس که به شیطان دَرون سرگرم است . کی راهی راه انبیا خواهد شد « و اما کلام آخر « تشنه پاسخ . ای دوست هر آنچه هست نور رُخ تو است . فریادرس دل، نظر فرخ تو است . طی شد شب هجر (قدر) و مطلع فجر نشد . یارا! دل مُرده تشنه پاسخ تو است «

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی تحت عنوان «قرآن و جایگاه شهادت سید حسن نصرالله» <https://eitaa.com/matalebevijeh/17679> شد. امید است افقی که باید بدان نظر شود و خود را در آینده ای بس بزرگ احساس کنیم؛ به نور شهادت آن سید بزرگوار گشوده شود. موفق باشید